

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

بینامتنیت تلمیح در شعر شاعران دفاع مقدس* (علمی- پژوهشی)

دکتر سید علی قاسم زاده
استادیار دانشگاه بین المللی امام خمینی
دکتر آسیه ذبیح نیا
دانشیار دانشگاه پیام نور یزد
فرخنده جمالزهی
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

چکیده

ماهیت بینامتنی تلمیحات و جایگاه آن در ترسیم منظومه فکری و عقیدتی شاعران دفاع مقدس، نکته‌ای است که کمتر بدان توجه شده است. این صنعت بدیعی دو بعدی؛ یعنی ناظر بر وجوه صوری و معنایی، می‌تواند منعکس‌کننده جهان بینی مسلط و بنیادهای فکری و زیبایی شناسی شعر دفاع مقدس باشد. از این رو، این تحقیق به شیوه توصیفی- تحلیلی و تکیه بر رویکرد نظری بینامتنی تلاش کرده است، به نقش تلمیح در وحدت‌بخشی به محورهای طولی و عرضی شعر دفاع مقدس پردازد. از نتایج این پژوهش برآمده که تلمیحات موجود در شعر دفاع مقدس به سبب تأثر بینامتنی از رسالت معرفتی دایره تلمیحات متقدم از یک سو و تلاش نوآورانه برای ارضای حس زیبایی شناسی و فکری مخاطب امروز از دیگر سو، عاملی وحدت‌بخش در ایجاد انسجام ساختاری شعر دفاع مقدس است. بازتاب گسترده تلمیحات دینی- مذهبی در کنار تلمیحات اسطوره‌ای،

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۸/۱

نشانی پست الکترونیک نویسندگان:

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۲/۸

s.ali.ghasem@gmail.com
asieh.zabihnia@gmail.com
fjamalzahie@gmail.com

مبین تقارن نگاه حماسی و عرفانی در اشعار دفاع مقدس و کیفیت تلاش شعرای دفاع مقدس در بهره‌گیری از ظرفیت‌های نمادین و زایشی اسطوره‌ها در الگوسازی و ترسیم مبانی ایدئولوژیک آنهاست که البته در غالب مواقع با رویکرد دیالکتیک (گفتگو محور) به متون ادبی یا اشعار شاعران کلاسیک همراه است.

واژه‌های کلیدی: شعر دفاع مقدس، پیوند صورت و معنا، تلمیحات معاصر، بینامتنیت.

۱- مقدمه

ادبیات دفاع مقدس یکی از رویش‌های ادبی معاصر پس از انقلاب اسلامی در ایران است که گرچه در ابتدا به سبب کم‌تجربگی شاعران چندان پرفروغ ظاهر نشد؛ به تدریج با ورود شاعران برجسته انقلابی و پخته شدن نسل اول شاعران انقلاب، روز به روز درخشان‌تر و بالنده‌تر به حیات خویش ادامه می‌دهد. امروزه شعر دفاع مقدس با وجود اینکه گاه از ادبیات انقلاب اسلامی تأسی جسته است؛ اما خصایص و مؤلفه‌هایی مختص به خویش داشته و دارد که به سبب مایه‌وری از میراث غنی ادبیات کلاسیک فارسی، به‌ویژه فراخوندن باورهای اسطوره‌های و عرفانی و به تبع آن شخصیت‌های حماسی و عرفانی و در آمیختن خویشکاری‌های آن‌ها با شخصیت‌های دینی و مذهبی از یک سو و دغدغه‌مند بودن شاعران آن- در مقایسه با دیگر جریان‌های شعری معاصر- به سبب انتقال میراث فرهنگی و فکری دفاع مقدس به نسل آینده از دیگر سو، می‌تواند از گفتمان انقلاب اسلامی نیز نمایندگی کند.

این تحقیق به شیوه توصیفی- تحلیلی، بر مبانی نظری تحلیل بینامتنی مورد نظر ژرار ژنت استوار است که اساس بینامتنیت را نه مناسبات پنهان و گمراه کننده؛ بلکه آشکار کردن پیوندهای متن با متون ماقبل می‌داند که می‌توان رمزگان ارجاعی یا فرهنگی (هماهنگی متن با فضای فرهنگی و گفتمانی حاکم) مورد نظر بارت را (کالر، ۱۳۸۸: ۲۸۶) هم‌راستای آن به شمار آورد.

۱-۱- بیان مسئله

ادبیات دفاع مقدس، به دلیل برآمدن از متن و حاشیه جنگ تحمیلی و تأثیر مضامین و مفاهیم والای منبعث از آن، از تنوع مضمونی و غنای واژگانی و معنایی ارزشمند برخوردار گشته است. تحولات سریع و همه جانبه‌ای که با گفتمان انقلاب اسلامی و تغییر در جهان‌بینی ایرانی پس از آن ایجاد شده بود، موجب تغییر در ذائقه زیباشناختی در میان غالب ایرانیان، همگام و همسو با جریان انقلاب شده است؛ اما همزمانی جنگ تحمیلی با رویکرد ایدئولوژیکی و رنگ و بوی مذهبی و عقیدتی انقلاب اسلامی - نه تنها به تثبیت نگرش نو و جهان‌بینی ایرانی - اسلامی حاصل از آن کمک کرد، خود جریانی قدرتمند و سازگار با زمینه‌های فکری، فرهنگی متن جامعه ایرانی به وجود آورد که به غنای مضمونی و محتوایی و دایره واژگانی و زبانی هنر و ادبیات انجامید؛ بنابراین، در میان جریان‌های رایج متناظر؛ چون جریان سکولار و غالباً مخالف با گفتمان انقلاب و دیگر جریان سنتی و ایستا - که استمرار همان گفتمان قبل از انقلاب بود - گفتمان دفاع مقدس چنان پرفروغ و دامنه‌دار در ساحات وجودی جامعه ایرانی نفوذ کرده است که نمی‌توان از ایجاد سبکی منحصر به فرد و خودسامان در عرصه هنر و ادبیات منظوم و منثور به نام سبک ادبیات دفاع مقدس، سخنی به میان نیاورد؛ سبکی که با انگیزش حسی و عاطفی ناشی از دایره واژگانی خاص (کافی، ۱۳۸۹: ۶۳) از یک سو و تحولات مضمونی همراه با درآمیختگی مؤلفه‌های حماسی و عرفانی از دیگر سو، تشخیصی خاص یافته است (سنگری، ۱۳۸۹: ۲۱-۲۲). روشن است واگویی و بازنمایی چنین فضایی، از راه‌هایی متفاوت و متنوع امکان پذیر است که واکاوی دایره تلمیحات، به سبب ماهیت بینامتنی آنها، در بر ملا ساختن آبخوره‌های فکری و فرهنگی شاعران دفاع مقدس، می‌تواند در نمایش کیفیت تفکر و بازنمایی سامانه ذهنی و خصایص جهان‌نگری جدید و ایدئولوژیک شاعران دفاع مقدس، نقشی بنیادین ایفا نماید، با وجود این ضرورت، با تکیه بر دفاتر شعری برجسته‌ترین شاعران دفاع مقدس؛ از جمله نصرالله مردانی، علی معلم،

سید حسن حسینی، علی رضا قزوه، قیصر امین پور، فاطمه راکعی، حمید سبزواری، سلمان هراتی کوشش می‌شود ضمن طبقه‌بندی و تشریح شبکه تلمیحات در شعر دفاع مقدس به کیفیت بازتاب بینامتنی تلمیحات در ادبیات منظوم دفاع مقدس پرداخته شود.

۱-۲- ضرورت و اهمیت تحقیق

واکاوی خصایص صوری و محتوایی ادبیات دفاع مقدس، بیش از هر چیز تلاشی برای گفتمان‌شناسی حاکم بر عرصه فکری و فرهنگی آن است و یکی از زمینه‌های برجسته که به سبب تأثیر دوجبهی بر صورت و معنا می‌تواند به این گفتمان‌شناسی یاری رساند، دایره تلمیحات است؛ از این رو، پژوهش حاضر با توجه به اهمیت نقش تلمیح و نحوه انعکاس آن در شعر در بازتاب گفتمان شعر دفاع مقدس، بسیار مهم است؛ از دیگر سو، استفاده از رویکرد بینامتنی در بازشناسی کیفیت انعکاس تلمیحات در حوزه شعر دفاع مقدس می‌تواند به ریشه‌های معرفتی و زیبایی‌شناختی این رویش ادبی معاصر یاری رساند.

۱-۳- پیشینه تحقیق

با وجود تحقیقاتی دامنه‌دار که اخیراً با ایجاد رشته ادبیات پایداری در مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی در باب ادبیات دفاع مقدس صورت گرفته و با وجود کتاب‌های ارزشمندی که در این حیطه نگاشته شده است؛ مثل فرهنگ جبهه مهدی فهمی و کتاب «فرهنگ تلمیحات در شعر معاصر» نوشته محمدحسین محمدی، که بیشتر به تلمیحات شعری شاعران قبل از انقلاب پرداخته است، در کنار کتاب ارزشمند «ادبیات دفاع مقدس» محمد رضا سنگری - که بیشتر به نقدی توصیفی و گاه تحلیلی - آموزشی نسبت به زبان و محتوای ادبیات دفاع مقدس (شامل همه گونه‌های ادبی از شعر تا داستان، خاطره و نمایش‌نامه و...) روی آورده است؛ اما تاکنون درباره دایره تلمیحات شعر دفاع مقدس که بی‌شک زمینه‌های مقایسه‌ای با ادبیات غیر دفاع مقدس را نیز مهیا می‌کند، هنوز تحقیقی مستقل و جامع نوشته نشده است. این پژوهش می‌تواند با پرکردن این خلأ تحقیقاتی برای

فهم اشعار شاعران دفاع مقدس و ترسیم الگوی جهان بینی آنها برای ایجاد مقایسه با شاعران جنگ دیگر کشورها به کمک دانشجویان و محققان بیاید.

۲- بحث

۲-۱- بینامتنیت تلمیح و کارکردهای آن در شعر شاعران دفاع مقدس

یکی از امکاناتی که شاعر می‌تواند به کمک آن، نقش خیال‌انگیزی شعر را به ظرفیت‌های معناآفرینی آن پیوند زند، استفاده از تلمیح (Allusion) است. با وجود اتفاق نظر غالب محققان در ماهیت معنایی آرایه تلمیح، نباید از وجوه زیبایی‌شناختی و موسیقایی تلمیح فارغ بود؛ زیرا تلمیح جدا از «اشارتی که به بخشی از دانسته‌های تاریخی، اساطیری و فرهنگی و ادبی» داده می‌شود، از آنجا که در فرایندی تقابلی با واژگان قرار می‌گیرد، نوعی لذت تداعی و موسیقی معنوی ایجاد می‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۳۱۰).

«مهم‌ترین آثار ادبی جهان، بیشترین بار معنایی خود را بر دوش تلمیح نهاده‌اند؛ چون از یک سو مانند تضمین، مستقیماً از گفته‌ها و گفتارهای دیگر سود نمی‌جوید و در عین حال تاریخ فرهنگی و بارمعنایی گفتارهای گذشته را به درون خویش می‌کشاند» (محبوبی، ۱۳۸۶: ۱۱۳). به واسطه همین ماهیت تلمیح است که می‌بایست آن را در حوزه مباحث بینامتنیت (Intertextuality) طبقه بندی و تحلیل کرد. ژولیا کریستوا که برای اولین بار مفهوم بینامتنیت را از منطق مکالمه باختمین استخراج کرد، بینامتنیت را اصطلاحی حاکی از سرشت مکالمه‌ای زبان می‌داند. به عقیده او «متن ادبی دیگر نه یک موجود یکتا و خودآیین؛ بلکه حاصل مجموعه‌ای از رمزگان، سخنان و متن‌های از پیش موجود انگاشته می‌شود. از این نظر هر کلامی در یک متن، منشی بینامتنی دارد و باید نه تنها برحسب معنایی که گمان می‌شود در خود متن وجود دارد؛ همچنین برحسب معنایی خواننده شود که از خود متن فراتر رفته به عرصه مجموعه‌ای از گفتمان‌های فرهنگی وارد می‌شود» (آلن، ۱۳۸۵: ۱۲۹). کریستوا، برای هر متنی اعم از نثر یا شعر، دو محور اساسی طراحی نموده است: محور افقی و محور عمودی. منظور از

محور افقی، پیوندی است میان نویسنده و خواننده اثر و منظور از محور عمودی، مؤلفه‌هایی است که متنی را به متون دیگر متصل می‌سازد و تاحدودی فهم آن را متکی به فهم و پیش اطلاعات موجود می‌داند (به نقل از چندلر، ۱۳۸۷: ۲۸۴). به عقیده او هر متنی از ابتدا در قلمرو قدرت گفتمان‌های دیگر قرار دارد (همان، ۲۸۴). ژرار ژنت نیز، که بینامتنیت را گونه‌ای از زیرمجموعه ترامتنیت (Transtextualite) می‌خواند، هر گونه اشاره تلمیحی، سرقت ادبی، نقل قول و اشارات ضمنی را در ردیف بینامتنیت می‌داند (نامور مطلق، ۱۳۸۶: ۸۳). البته باید توجه داشت که بینامتنیت به دو صورت در متون محقق می‌شود: از طریق اشارات آشکار و دیگری ضمنی و پوشیده (ساسانی، ۱۳۸۹: ۲۱۹) و تلمیح از گونه اشارات آشکار بینامتنی به شمار می‌آید، که در هر دو محور افقی و عمودی بازنگری متون نقش آفرین است. در محور افقی، به سبب اطلاعی که خواننده باید از آن داشته باشد، رمزگانی تعریف شده میان نویسنده و مؤلف به حساب می‌آید؛ در نتیجه حلقه اتصال خواننده به متن و مؤلف است و در محور عمودی به سبب ماهیت گفتمانی آن، یکی از عوامل مطالعه در زمانی آثار به حساب می‌آید؛ چراکه بینامتنیت تلمیح، شبکه متنی خوانش‌بنیاد؛ یعنی خواننده محور است که نظام اندیشگانی جریان‌های غالب یک دوره را بازنمایی می‌کند و قطعاً با نظام ارجاعی و فکری نسل‌های قبل و بعد متفاوت خواهد بود (ر.ک: نامور مطلق، ۱۳۹۰: ۲۷۲)؛ از این رو، همواره عامل اتصال و پیوند خواننده با متن و متون با متن‌های ماقبل و مابعد خویش است. بینامتنیت از این رهگذر، زمینه دریافت شهودی مخاطب را از متن، در نتیجه برانگیختگی انفعالی یا عاطفی و سرخوشی فهم به ظاهر درست را مهیا می‌سازد.

تلمیح، به سبب همین ماهیت ذوابعد و نقش تفسیری در فهم متن و مقاصد شاعر یا نویسنده، کارکردهای چندگانه دارد که بی‌ارتباط با نقش آن در شعر دفاع مقدس نیست؛ مانند ایجاد تازگی و نوسازی تصاویر برای ایجاد خاصیت خبری در شعر؛ (شمیسا، ۱۳۶۶: ۳۶)؛ ایجاد مناسبات متنی و برآوردن افق‌های انتظار خواننده از متن؛ ایجاد پیوستگاری زمان گذشته با زمان تألیف، خوانش متن و ایجاد

فرصت شبیه‌سازی و نمادپردازی برای مؤلف و خواننده القای حس زیبایی‌شناختی از رهگذر ایجاز و فشرده‌گویی؛ چنانکه ارتباط تلمیح با ایماژهای شاعرانه چون تشبیه، استعاره، تمثیل، تشبیهات استعاری و یا تلمیحات تمثیلی و کنایه‌ای (شمیسا، ۱۳۹۰: ۲۶۳ و فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۸۳) خود گواه کارکرد زیباشناسی تلمیح است. معنی آفرینی و تداعی معنا، بازنمایی قدرت خلاقیت و گاه فضل فروشی، بازنمایی جهان‌بینی شعرا و کشف نوع نگرش حاکم بر یک دوره ادبی و سرانجام کارکرد روانکاوانه و معطوف به بازشناسی ناخودآگاه شاعر؛ زیرا بسامد مکرر تلمیحی خاص که از آن به تلمیحات مرکزی (Central allusion) یاد می‌شود، مستقیم یا غیرمستقیم با ناخودآگاه و ضمیر باطنی شعرا و پسندها و ناپسندهای آنها در ارتباط است (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۷).

گرچه غالباً کاربرد تلمیحات تابع چند عامل اساسی یکی سنت ادبی و دیگری ذوق و دانش ادیب و سوم میزان دخالت عناصر بیرونی چون زندگی شخصی، محیط، تاریخ، سیاست، وقایع اجتماعی و... است؛ عواملی چند به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های دخیل در بروز بینامتنی تلمیحات در شعر شاعران دفاع مقدس نقش آفرین هستند:

۱. نگاه آرمان‌گرایانه و ارزش‌مدار به جنگ تحمیلی در ایران؛ چنانکه آورده‌اند: «شعر دفاع مقدس - همان‌طور که از نامش پیداست - شعری است خاص، شعری که نباید آن را با شعر ناب - به مفهوم مطلق کلمه - مقایسه کرد؛ چرا که شعر دفاع آن هم دفاع مقدس، شعری است نشاندار که با دو نشانه «دفاع» و «مقدس» از شعر - به مفهوم مطلق کلمه - فاصله می‌گیرد» (ترابی، ۱۳۸۹: ۳۱۹). روشن است حضور غالب چنین نگاهی، در کنار فضای معنوی رزمندگان و نقش رهبری امام خمینی^(ه) و رنگ و بوی مبارزه آرمانی در سراسر کشور از جمله خود جبهه‌ها، زمینه‌های بازخوانی تلمیحات قرآنی، دینی و مذهبی در شعر شاعران دفاع مقدس، بیش از هر دوره‌ای مهیا می‌گردد. رهاورد چنین نگرشی، بازنگری در رسالت متعهدانه شعر بود؛ چراکه ویژگی چشمگیر شعر این دوره تعلق شاعران به گسترش فرهنگ و منش اسلامی است (تجلیل، ۱۳۷۳: ۹۱-۱۰۰)؛ لذا بزرگ‌ترین

رسالت ادبیات انقلاب به‌ویژه شعر آن حوزه را بایست در انعکاس گفتمان انقلاب و امام دانست که البته عمدتاً از بطن چند جریان شعری شاخص ظهور کرده است:

نخست، «شعر سنت‌گرای مذهبی و محتواگرا که خاستگاه آن باورها و سنت‌های دینی و فرهنگی همراه با گرایش‌های سیاسی-اجتماعی عمدتاً همسو با انقلاب اسلامی و آمیخته با بن‌مایه‌های مذهبی بود» (قبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۵). دوم، شعر روشنفکران دینی که بیشتر متأثر از تفکرات شریعتی بود و امثال صفارزاده، گرمارودی، امین‌پور، عبدالملکیان، حسن حسینی، سلمان‌هراتی، فاطمه‌راکعی و قزوه و... در این جرگه جای دارند (همان: ۱۱۵-۱۱۶).

بنابراین، بازتاب پیامدهای رخدادهای عمیق پس از انقلاب؛ چون جنگ تحمیلی و غلبه رویکردهای عرفانی-حماسی ناشی از آن در ساحت‌های گوناگون ادبیات فارسی به گسترش آرمان‌های انقلاب و بهره‌مندی از جوهره زیباشناسی ادبیات عاشورا و میراث‌های عرفانی ادبیات کلاسیک منجر گردید (همان: ۳۸-۴۰).

۲. تلفیق باورهای عرفانی در عرصه دفاع مقدس با شور حماسی؛ زیرا شاعران دفاع مقدس، شعر را حربه معناآفرینی و ابلاغ احساسات لطیف رزمندگان می‌دانستند؛ از این رو، شعر انقلاب آینه عواطف و افکار و به تعبیری جهان‌بینی رزمندگان ایرانی بود. برای شاعر جنگ، شور حماسی و قهرمانی علی‌وارانه در کنار پهلوانی رستم‌گون و از خودگذشتگی آرش‌وار از یک سو و عشق‌بازی و جانبازی و به تعبیر قرآنی رجوع نفس مطمئنه به سوی «مقعد صدق عند ملیک المقنن» از دیگر سو، معجونی زیبا و هنرمندانه از پیوند دو مضمون میراثی فرهنگ ایرانی-اسلامی؛ یعنی عرفان و حماسه محسوب می‌شود (سنگری، ۱۳۸۹: ۵۵). «نرمی و لطافت تغزل و درشتنکی و فخامت حماسه‌سرایی در غزل‌های این دوران، به‌گونه‌ای کنار هم نشسته‌اند که گویی هر یک مکمل دیگری هستند» (باقری و محمدی نیکو، ۱۳۷۲: ۲۸-۲۹).

۳. ضرورت بازگشت به سنت، به‌ویژه پس از پایان جنگ تحمیلی که در حقیقت ادامهٔ پیامد انقلاب فرهنگی در ایران بود. «پیدایش انقلاب اسلامی، بازگشت جدی به سنت را در پی داشت. این بازگشت در صحنهٔ شعر نیز اتفاق افتاد. در عرصهٔ محتوا، حتی در پیشروترین شعرهای آزاد دفاع مقدس؛ مثل شعرهای سلمان هراتی، مؤید عبدالرضا رضایی نیا و... حجم متراکمی از میراثی معنوی که در شعر معاصر متروک و سرانجام مطرود، با شتاب در حال بازگوشدن هستند که گویی شعر معاصر، نزد این نسل شاعران دارد به آب توبه شستشو داده می‌شود. آرایهٔ «تلمیح» شاید در شعر دفاع مقدس، مهم‌ترین محمول برای این توبهٔ ادبی به شمار می‌آمده، به‌طوری که در بسیاری از شعرها از حد یک کاربرد و آرایه برای تزئین کلام فراتر رفته و در ساختار شعر نقش بازی کرده است» (توکلی، ۱۳۸۹: ۳۵۴).

این خصیصه، به‌ویژه پس از پایان یافتن جنگ و حرکت خودجوش شاعران با خوداتهامی به پیامدهای جامعه پس از جنگ و فراموشی ارزش‌های آن در میان مردم و حتی رزمندگان بیشتر احساس شد؛ از همین رو، بازآفرینی میراث‌های ایرانی و اسلامی در راستای احیای مبانی انقلاب اسلامی ضرورت می‌یابد؛ بنابراین، شاعر دفاع مقدس «در انطباقی فعال با نیازهای زمان خویش، اساطیر جهانی یا ملی - میهنی را با ذهنیات خاص خویش بازآفرینی می‌کند» (رشیدیان، ۱۳۷۰: ۹۱). و از طریق زبان رمزی اساطیر، به بازخوانی رویدادها و حوادث اجتماعی و سیاسی روزگار خویش می‌پردازد تا خوانندهٔ شعرش با تأویل آنها، علاوه بر کشف بار معنایی جدید، احساس لذت هنری نماید. چون ماهیت بینامتنی اسطوره‌ها با ظرفیت شاعرانه و سمبلیک آنها، امکانات تأویل گرایانه ارزشمندی - بر حسب شرایط و اوضاع خاص اجتماعی - در مقابل شاعر و خواننده قرار می‌دهد و زمینه را برای برداشت تأویلی جدید و تازه مهیا می‌سازد (پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۴۵).

۲-۲- کیفیت انعکاس بینامتنی تلمیحات در شعر شاعران برجسته دفاع مقدس

فارغ از طبقه‌بندی تلمیحات عمومی و خصوصی یا تقسیم‌بندی تلمیحات از منظر صوری و ساختمانی (اقتباس، تضمین، حل و درج و...)؛ به سبب نقش دایرهٔ

تلمیحات در بازشناسی هویتی شاعران و اهمیت آن در انعکاس جهان‌بینی و ذائقه‌زیباشناختی شاعران دفاع مقدس، تلمیحات ناظر بر روابط شبکه‌ای و بینامتنی با متون ادبی و یا حوادث تاریخی و سیاسی-اجتماعی گذشته و معاصر به اشکال ذیل در شعر شاعران برجسته دفاع مقدس مشهود است. با این توضیح که اشارات سیاسی-اجتماعی و تلمیحات شخصی شاعران به سبب اینکه از دایره تلمیحات بینامتنی خارج است و به عبارتی پیوند متنی به شمار نمی‌آید، از دایره بررسی و تحلیل این جستار خارج است و بدان پرداخته نمی‌شود:

۲-۲-۱- تلمیحات دینی و مذهبی

از مصادیق و مشخصه‌های ممتاز شعر دفاع مقدس، بازتاب آیات، احادیث، داستان‌های دینی و مذهبی با محوریت شخصیت‌های دینی و مذهبی است که در تناظر با ماهیت نگرش و جهان‌بینی شاعران دفاع مقدس است. این نوع از تلمیحات با وجود اوج و فرود در کیفیت استفاده و انعکاس آنها در محورهای افقی یا طولی شعر و ظرفیت‌های بی‌ظنیشان در تصویرسازی‌های ادبی و همنوا و همراه نمودن خوانندگان با شاعر، وجه غالب و همه‌گیر شاعران دفاع مقدس است که می‌توان در دو دسته زیر طبقه‌بندی کرد:

الف) اقتباس‌ها و اشارات قرآنی

- تو را خروش، خروش خداست از لب انسان / که یادآور «قالوا بلی»^۱ است در خط فرمان / صدای عام تو تا زندگی به پاست، پایید / به رهروان ره عشق شوق وصل فزاید (سبزواری، ۱۳۸۸: ۵۱-۵۶).

- ما همه خنیاگران چامه‌ایم / ساکن اشک و زیارتنامه‌ایم // پس کلید عزت ما را بده / گنجۀ انا فتحنا^۲ را بده (عزیزی، ۱۳۹۰: ۳۴۷).

- شبی به نام تفرج به بی‌کرانه قرآن / به ناخدایی طبعش در آ به کشتی میزبان // مگر فسانه مردان ذوفنون بشناسی / ز بام عرش «علیٰ فُلکِ تَحْمَلون»^۳ بشناسی (معلم، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

- ای مادران شهید / سوگوار که اید؟ / آنان درختانند / بارانند / آنان / نیلوفرانند / که از حمایت دستان خدا برخوردارند^۴ (هراتی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

- امروز بیا سبز بروییم که فردا / کاری نکند حسرت و کاری نکند آه / یا «ايتها النفس...» بخوانیم و بگویم / وز مرگ نترسیم، «تو کلت علی الله» / این شنبه و آدینه، به تکرار، مرا کشت / تا چند صبوری کنم، ای جمعه ناگاه؟ (قزوه، ۱۳۹۰ ب: ۴۳ - ۴۴).

اقتباس‌های قرآنی و قرار دادن آنها به عنوان مکمل معنا و محوریت دریافت در زنجیرهٔ همنشینی اشعار فوق، مناسبات بینامتنی اشعار و پیوند ناگسستنی فهم آن را با گزاره‌های قرآنی آشکار می‌سازد. روشن است تکیه کلام بر محوریت آیات اقتباسی، افکار مخاطبان را به عمق مقصود شاعران دفاع مقدس هدایت می‌کند که غالباً دعوت به لقاء الله و شهادت است. بدین طریق شاعران دفاع مقدس، با ایجاد مناسبات بینامتنی با قرآن کریم، به کلام خویش رنگ و بویی قدسی می‌بخشند. بی‌شک در این فضا، مخاطب شعر دفاع مقدس به معرفت قدسی - که آبشخور قرآنی دارد - رهنمون می‌گردد و بر اثر کشف رابطهٔ تلمیح با معنای متن، حس زیباشناسانه و شادی بخش در وجود خویش احساس می‌کند.

ب) اشاره بینامتنی به داستان‌ها و شخصیت‌های دینی - مذهبی

تناسب داستان زندگی پیامبران چون داستان حضرت آدم^(ع) و فرزندش هابیل، حضرت یوسف^(ع)، حضرت خضر^(ع)، حضرت ابراهیم^(ع) و اسماعیل^(ع)، حضرت موسی^(ع) و حضرت عیسی^(ع)؛ و شخصیت‌های مذهبی چون امام علی^(ع)، امام حسین^(ع) و عاشورا و حضرت مهدی^(عج) با مضامینی عرفانی و حماسی دفاع مقدس چون مظلومیت، جاودانگی، پیوند پدر و مادر با فرزندان رزمنده یا شهید خویش، ولایت و رهبری، ایثار و شهادت، فرهنگ انتظار و... علاوه بر ماهیت روایی اشعار دفاع مقدس، کاربرد این گونه تلمیحات بینامتنی را به پربسامدترین نوع تلمیحات در اشعار دفاع مقدس تبدیل کرده است:

- در چاه نابردار، تنها / زندانی زلیخا / چوب حراج خورده بازار برده‌ها / البته بی که یوسف باشی! / پس بهتر است درز بگیری / این پاره پوره پیره‌ن بی‌بو و خاصیت را / که چشم هیچ چشم به راهی را / روشن نمی‌کند! (امین پور، ۱۳۹۰: ۲۳).

- کو عمر خضر رو طلب مرگ سرخ کن / کاین شیوه، جاودانه ترین طرز بودن است (همان: ۳۹۵).

- نه گندم و نه سیب / آدم فریب نام تو را خورد / از بی شمار نام شهیدانت / هابیل را که نام نخستین بود

دیگر / این روزها به یاد نمی آوری / هابیل نام دیگر من بود (همان: ۲۶۴).

-نوشت در دم میلاد خاک «آدم» خون / شکوه نهضت «هابیلیان»، «محرم» خون // هنوز کینه «قابلیان» قاتل عشق / شراره‌ای است که دارد به سینه عالم خون // دگر سلاح تو ای «دیو» کور، کاری نیست / کنون به دست «سلیمان» ماست «خاتم» خون (مردانی، ۱۳۶۴: ۵۸).

- آه بستیم چشم حیا را / باز کردیم باب ریا را / نفسمان ماند و امکان جولان / دور دیدیم جسم خدا را // رفت موسی و چون قوم موسی / سجده بُردیم گوساله ها را / آی موسای ما، بار دیگر / کن سوا از روا ناروا را / خون سرخ شهیدانمان را / خط بطلان، خطوط خطا را (راکعی، ۱۳۸۷: ۴۰ - ۴۱).

عید قربان زنده دارد، یاد قربان گشتگان را / پاسداران و شهیدان و به خون آغشتگان را... // خیز، ای فریاد ابراهیم از نای تو پیدا / شوق اسماعیل در سیمای زیبای تو پیدا... (سبزواری، ۱۳۸۸: ۵۷ - ۵۹).

آن شهیدانی که در بدر آمدند / عشق را از ذیل تا صدر آمدند... // چون در آمد بر شما با غمزه ها / از جگر یادی کنید از حمزه ها // در احد جاماندگان را یاد باد / آن به صحرا ماندگان را یاد باد (عزیزی، ۱۳۸۸: ۷۷).

وجه مشترک اشعار فوق، استفاده از ظرفیت تلمیحات دینی و مذهبی با چاشنی تلفیقی حماسه و عرفان برای تقویت مفهوم عرفانی «شهادت» است. غفلت از پشته‌های معرفتی شخصیت‌های دینی و مذهبی که در حقیقت هریک، از نمادهای فرهنگی و گفتمانی غالب در جامعه اسلامی ایران پس از انقلاب هستند یا نادیده گرفتن نقش ارجاعی آنها در پیوند زدن حوادث زمان معاصر به حوادث تاریخی و فرهنگی، متن اشعار را بی‌روح و فهم و معنای متن را سطحی و مقطعی می‌سازد. اشارات پیدا و پنهان شعرای دفاع مقدس به این شخصیت‌ها بیش از

هرچیز، خوانش بینامتنی مخاطبان را در ایجاد فهمی امروزی و نوبنیاد تقویت می‌سازد؛ چراکه این شخصیت‌ها با جدا شدن از زمینه تاریخی و دینی خویش به متن یا زمینه شعر معاصر صفتی پروتوتایپی (سرنمون یا کهن‌الگوی شخصیتی) به خود می‌گیرند و هر یک نمادی مثبت یا منفی از طبقات و طیف‌های خاص انسانی و دولت‌های امروزی می‌گردند؛ چنانکه سیمای امام خمینی (ره) و نقش او را در مقایسه ضمنی با حضرت موسی^(ع)، حضرت یوسف^(ع)، حضرت سلیمان^(ع) و... در ذهن مخاطبان به تجسم درمی‌آورند. در این فضا، شاعر با وابسته کردن زبان و معنای شعر خویش با پس زمینه‌های تاریخی و دینی به تقویت مناسبات متنی و فرامتنی و منوط کردن فهم متن به تلاش بینامتنی خواننده همت می‌گمارد.

این خصیصه؛ یعنی اشارات دینی و مذهبی در شعر شاعران زن حوزه دفاع مقدس، با نگاهی زنانه و روایتی معطوف بدان با تشابه و تلمیح به زنان اسوه مذهبی چون حضرت زهرا^(س)، حضرت خدیجه^(س)، حضرت زینب^(س) و گاه زنانی چون هاجر و سمیه و... همراه می‌شود تا نقش زنان در دفاع مقدس به کمک تلمیح بینامتنی به زندگی زنان بزرگ تاریخ دین و مذهب، زنده‌تر و پرده غفلت از روی آن کنار زده شود:

-سلام من به تو ای اسوه زمانه من / سرود زندگی ات شعر عاشقانه من // تو مریمی که سزایی به رازداری عشق / خدیجه ای و سزاوار پاسداری عشق // به پایمردی هاجر به عشق می‌کوشی / و با زلالی زمزم ز عشق می‌جوشی // تو از بزرگی زهرا نشانه‌ها داری / و زینبی به صبوری و درد سالاری // «شهید زنده» ترا گُفو و همسر است ای خوب / و قدر تو به شهیدان برابر است ای خوب // بهار، شمه ای از وسعت سخاوت تو / بهشت، جلوه ای از لطف بینهایت تو (راکعی، ۱۳۸۴: ۱۰۱ - ۱۰۲).

۲-۲-۲- تلمیحات اسطوره‌ای - حماسی

اسطوره‌ها به سبب اینکه اولاً از سرچشمه‌های آفرینش حماسه هستند، دُدیگر اینکه از اصول بنیادین شاکله تفکر قومی و «از رموز اتحاد و یکپارچگی ملی» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۷۰) به شمار می‌آیند و سوم، به سبب پیوند ناگسستنی با

مناسک و آیین‌های مقدس گذشته در نتیجه برخورداری از وجوه ماورایی و قدسی و قرابت‌های کم‌نظیر با مرز آموزه‌های دینی در تصویرسازی و معناآفرینی در متون ادبی نقشی برجسته دارند؛ لذا همواره خواه ناخواه در ضمیر ناخودآگاه شاعران حضور دارند و گاه و بیگاه در قالب زبانی نمادین ظهور و بروز ادواری دارند. نقش و اهمیت این گنجینه ماندگار، در بازنمای فرهنگی و بازشناسی هویتی- معرفتی است که زمینه‌های بازنویسی و بازآفرینی کهن الگوها و موتیوهای اسطوره‌ای را در میان شاعران هر دوره، از جمله شاعران دفاع مقدس مهیا می‌سازد که افزون بر آن احساس ضرورت، ماهیت حماسی-عرفانی دفاع مقدس خود موجب تقویت این جریان باخوانشی در شعر دفاع مقدس گشته است. «شور و تپش انقلاب و پس از آن حادثه جنگ، مؤانستی با حماسه‌های تاریخی [ملی] داشت و استفاده از نمادها و نمودهای اساطیری را به قصد تحریض و تحریک احساسات و تشجیع رزمندگان پیش پای شاعران گذاشت» (کافی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). گویا شاعر مقاومت به این اصل رسیده است که با بازنویسی و بازآفرینی اسطوره‌ها و کهن‌الگوهای ملی و استفاده از وجه زیبا و سیال آنها، می‌توان به اسوه‌سازی و ماندگاری و مانایی ارزش‌های دفاع مقدس پرداخت. این باورمندی در برخی از شاعران توانمند این دوره به حدی است که برخی از محققان، فهم صحیح اشعار و درک درست منظومه فکری آنها را منوط به کشف لایه‌های آشکار و پنهان اساطیر در اشعار آنها می‌دانند؛ چنانکه درباره اشعار قیصر امین پور تأکید شده است که «بازخوانش اشعار او بدون توجه به عناصر و مؤلفه‌های اسطوره‌ای دشوار است» (گرگی و محمدی، ۱۳۹۱: ۳۸۶). خوانش بینامتنی اشعار شاعران دیگر حوزه دفاع مقدس؛ چون سید حسن حسینی، نصرالله مردانی، علیرضا قزوه، علی معلم، احمد عزیزی و... نیز، گواه همان ادعای پیشین است که بدون توجه به نگرش اسطوره‌ای شاعران و ارتباط افکارشان با اسطوره‌های ملی، ترسیم پیکره و شاکله فکری- هنری شاعران دفاع مقدس ناقص و ابتر خواهد بود؛ به‌ویژه اینکه ساختار روایی و زبان نمادین اسطوره‌ها، ظرفیت‌های هنری بیشتری برای تصویرسازی و ارضای ذائقه زیبایی‌شناسی و معنوی مخاطبان

دیرپسند امروز در اختیار آنها قرار می‌دهد، عناصری نمادین که از قهرمانان اسطوره‌ای - حماسی ایران چون رستم، اسفندیار و... تا حیوانات و پرندگان اسطوره‌ای چون سیمرغ، ققنوس و... و کهن‌الگوهای اسطوره‌ای چون کهن‌الگوی برادرکشی، قربانی، آرمان خواهی و... و عناصر هستی‌شناسانه و خداشناسانه چون اسطوره آفرینش، گناه نخستین، مرگ و بازگشت جاودانه و... را شامل می‌شود:

پیش از این نیز گفته‌ام! در شگفت باش / از این حماسه چروک خورده / از رستمی که عینکش را گوشه دامن / جام جم می‌کند / و گاهی یک نخ سیگار / - چون حضور دیو سپید / - پشت طاقتش را / پیش چشم‌های حیرت زده ات / خم می‌کند! (حسینی، ۱۳۸۸ الف: ۴۱ - ۴۲).

- تو را از قتلگاه شعر شور و دفتر آوردند / شهید من تو را از خاکریزی دیگر آوردند // برای غربت گل هرچه خواندی ارغوانی بود / به رسم قدردانی از گلویت خنجر آوردند // تو را همچون نگینی سرخ از انگشتر چشمم / به نیش دشنه‌های تشنه نفرت، در آوردند // بخوان چاووش آتش ای دل، ای مرغ اساطیری / که از ققنوس بی‌پروای من خاکستر آوردند (حسینی، ۱۳۸۸ ب: ۵۲ - ۵۳).

- سندیاد قهرمان اسطوره دریا و موج / می‌رود با اسب توفان تا دیار سرنوشت // باز آی از قاف گل ای مرغ روین بال عشق / تا شود معلوب من اسفندیار سرنوشت // کفش‌های آهنین سام گرد افکن چه شد / در کویر خار و امانده سوار سرنوشت // رخس آتش پی بگو داستان آهن دل کجاست / اشکبوسی تازه دارد کارزار سرنوشت (مردانی، ۱۳۶۴: ۳۲).

- هلا، نسیم سبک خیز، ای برید سحر / بیان تهنیت از ما، بر آن امام بیر... // بگو اماما سالی دگر همی بگذشت / ز بهمنی که به کاخ ستم فکند آذر // ز بهمنی که به نیروی عزم ملت ما / شکست سدی محکم چو، سد اسکندر (سبزواری، ۱۳۸۸: ۱۴۹ - ۱۵۱).

- با قلم، این حربه لشکرشکن، رو آورم / بر صف ضحاکیان چونان که پور آبتین (سبزواری، ۱۳۸۹ الف: ۸۹).

- عالم از ولولۀ حسن تو خاموش مباد / رهروان را سفر عشق فراموش مباد... // شعله ور باد از داغ شهیدان وطن / رفته از خاطر ما یاد سیاوش مباد (سبزواری، ۱۳۸۹ ب: ۳۳)

- فسانه گشت و کهن یاد رستم دستان / از آن حماسه که با خون سرود، خوزستان // حکیم طوس سزد، سر ز خاک بردارد / که شاهنامه به ارونند رود بسپارد... // الا حماسه پیکار دیگری است کنون / علم به دوش علمدار دیگری است کنون // الا ز بعد قرون نهضت حسینی بین / علم به دوش علمدار حق، خمینی، بین... // الا وراثت میدان نینوا با ماست / که انتقام شهیدان کربلا با ماست // نوید «رجعت سرخ ستاره» بود و رسید / امید زایش باغ هزاره بود و رسید (سبزواری، ۱۳۸۸: ۱۳۱ - ۱۳۴).

- سایه سیمرغ بر بامت خوشست / کودکی در باغ بادامت خوشست // در تو آغوش بیابان باز بود / خانه افراسیابان باز بود (عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۴۳ - ۲۴۴).

- باید تهمتنانه گذشت از هزار خوان / هر خوانش، ازدهای سیاه هزار سر (قزوه، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

- مردم آزاده ایران زمین از «آرش» و «گردآفرید» و «آریوبرزن» / پارسا و پارسی مفهوم و مصداق اند / مثل سرو سرفرازی جفت نی؛ طاق اند / جاودان مشهور آفاق اند (معلم، ۱۳۸۹: ۷۹).

- از پس آدم، آدم‌ها / تمام خاک را / دنبال آب حیات دویدند / سرانجام / انسان به بیشه‌های نگرانی / کوچید (هراتی، ۱۳۹۰: ۷۵ - ۷۶).

- دنیا آتشکده موقتی است / تا من و تو / در آن بنشینیم / نه عبوس / که چون ققنوس / دوباره شدن را و به امید دیداری در ناکجا / مرا این معنی / با غروب مأنوس کرده است (همان، ۳۳۴ - ۳۳۵).

در شواهد فوق، با درج تلمیحات اسطوره‌ای و به عبارتی اشارات بینامتنی به اسطوره‌ها؛ به‌ویژه یاری گرفتن از زبان استعاری و نمادین اساطیر، به خوبی می‌توان به تحقق «جمع صورت با چنین معنای ژرف» در شعر دفاع مقدس باور داشت. برانگیختگی حماسی و شور و هیجان ملی با اشاره به شخصیت‌هایی چون

تهمت، آرش و... در کنار بن‌مایه‌های عرفانی چون دنیاگریزی، جاودانگی و... مصداقی روشن از ظهور حماسه‌های عرفانی در اشعار دفاع مقدس به حساب می‌آید که تنها و تنها از رهگذر تقویت و ارجاع بینامتنی و هدفمند مخاطبان به اساطیر بومی و ملی میسر شده است. باشد که از این طریق مخاطب ایرانی از گزند بی‌هویتی - که از آسیب‌های انسان مدرن است - در امان ماند و با بازگشت به سرچشمه‌های هویت ملی و باورهای معرفتی به تأمل در خویشتن پردازد. این مؤلفه‌های بینامتنی، پیامدی چندساحتی برای مخاطب به‌همراه دارد: از یک سو، بیش از هر عنصری دیگر موجبات برانگیختگی عاطفی در وجود او می‌شود و از دیگر سو به ژرف‌نگری وی در تاریخ گذشته و مشاهده پیوندهای آن با دنیای معاصر و وقایع آن می‌کشاند. این شخصیت‌ها نیز، به سبب تلاش شعرای دفاع مقدس در به خدمت گرفتن مفاهیم و معانی نمادین داستان زندگی و کنش آنان (پیوند بینامتنی) برای مطابقت با شخصیت‌های معاصر و کنش‌های آنها و رخدادهای مشابه تاریخی - اجتماعی ظهوری سمبلیک و چندوجهی دارند که بیش از همه در خدمت تقویت انگاره‌های ملی و بازآفرینی بن‌مایه‌های فکری فرهنگ بومی همسو با گفتمان اسلامی و انقلابی جامعه ایران در دوره جنگ تحمیلی قرار می‌گیرند.

۲-۲-۳- تلمیحات ادبی (پیوند بینامتنی با متون ادبی)

بسامد تلمیحات بینامتنی ادبی - که به نوعی خواننده را برای فهم معنا به پیوند بینامتنی با متون ادبی متقدم فرامی‌خواند - به تناسب تحصیلات و دانش ادبی شعرای دفاع مقدس، با شدت و ضعف همراه است. این اشارات ادبی می‌تواند از تضمین اشعار و جمله‌های قصار ادبای گذشته و منظومه‌های عاشقانه یا عرفانی و یا آفرینندگان آنها تا ضرب‌المثل‌ها و تمثیل‌های ادبی را شامل شود که گرچه در مقایسه با دو گونه از تلمیحات بینامتنی مزبور از بسامد کمتر برخوردار است؛ نیابت آنها را نادیده گرفت.

- تو حجم بسته رازی، اگر درست بگویم / تو ارتفاع نمازی، اگر درست بگویم // تو عقل سرخ شهابی، تو فصل سبز نیازی / تو شرح گلشن رازی، اگر

درست بگویم // دل گرفته ما را غمت گرفته به بازی / خوش است آینه بازی
اگر درست بگویم (امین پور، ۱۳۹۰: ۳۹۷).

- من سایه‌ای از نیمه پنهانی خویشم / تصویر هزار آینه حیرانی خویشم... //
فردایی اگر باشد باز از پی امروز / شرمنده چو حافظ ز مسلمانی خویشم^۵ // حافظ
مگر از عهده وصف تو بر آید / یا حسن تو حیران غزلخوانی خویشم (همان، ۵۵).
- بازم امشب تو دلم داره خبرهایی میشه / به چشم خواب نمیداد، تنم یه گوگه
آتیشه... // شیرین اون طرف ترا گرفته آروم خوابیده / کوه بیستونه و فرهاده و این
کهنه تیشه (باقری، ۱۳۸۸: ۴۳).

- از خاک بر آمدیم / و / بر باد شدیم / آب / از / آب / تکان نخورد!^۶ (راکعی،
۱۳۸۵: ۵۱).

- معما «قلب مادر» ی است / که شاعری / به شعرش / کشید / تا تو آن را /
بخوانی^۷ (راکعی، ۱۳۸۴: ۱۶).

- تا کی شکیب با غم دوران کنم / رنج خسان پذیرم و کتمان کنم؟ // جوق
دادن به کسوت دانشوران / تا کی عیان بینم و پنهان کنم؟ // «اندر سرت بخار
جهالت قوی است / من درد جهل را به چه درمان کنم؟» // «گر تو نیاز بر در شیطان
بری / من روی صدق جانب رحمان کنم» // «زی اهل بیت احمد مرسل شوم / جان
را رهی و بنده ایشان کنم»^۸ // تا نام خویش را به جلال «امام» / بر دفتر معانی عنوان
کنم (سبزواری، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۱۳).

- بت ظهور دیگری خواهد به سیمایی دگر / گو خلیل الله به همت، آستین بالا
کند // بر سر موج است عالم نوح امت را چه باک / گر رضای دوست توفان رایتی
بر پا کند^۹ (همان، ۷۶)

- فصل آیش کنج باغی از قصیل / خسته بودم با عرقریزان بیل / وقت شادی
وقت شیون وقت سور / من نمی ماندم بی بوف کور ... / در شبانگاهان پاک
گرمسیر / تشنه بودم در شهادت یا کویر... / آخر ساعات دیر مدرسه / می دویدم با
مدیر مدرسه (عزیزی، ۱۳۹۰: ۲۶۱-۲۶۲).

- یکدم از داغ شهیدان سوی صحرا بنگر / لاله برخاسته چمن لشکر خونین
کفنان // بیستون ریخت فرو بر سر بستان صد طاق / رو به فرهاد نه ای خسرو شیرین
دهنان (عزیزی، ۱۳۷۵: ۱۱۱)

- عمو جان فرانک هم از فرانسه برگشت / هنرمندان برای گاو مَش حسن رمان
نوشتند / و بر اساس یه قل دو قل / آخرین فیلمشان را ساختند / و هنرمندان دلسوز /
در فضای ملکوتی چوب گردو / به مصاحبه نشستند و باز همان آش بود و همان
کاسه (قزوه، ۱۳۹۰: ۴۸).

- تو جبر خاطر مسکین به شکر قوت کن /^{۱۰} / بین به زخم من و بیش از این
مروت کن (معلم، ۱۳۹۰: ۳۹).

- وقتی که از حرص حقیر داشتن دل می کنی / همه‌مۀ عشق را می شنوی / اینان
که در پای بیستون به صف ایستاده اند / راهیان عشقند / و منتظرند کسی بیاید و
تیشه‌ها را تقسیم کند / تیشه ابزار سعی عاشقانی است / که سینه به سینه کوه می‌روند / و
کار تخریب حصار را / تجربه می‌کنند (هراتی، ۱۳۹۰: ۸۲).

- و واحدهای درس «نداریم» را / تمام کرده ای / الهی اصلاً نداشته باشی / مردم
که «هیزم تری به تو نفروخته اند» / تو را آمریکایی می دانند / آنها از اینکه باید در
صف بمانند / دلخور نیستند (همان، ۹۷).

روشن است در اشارات بینامتنی فوق، بدون آگاهی و حضور ذهنی مخاطب از
پیشینه فرهنگی جامعه ایرانی، لایه‌های زیباشناختی متن و هنرمندی‌های شعرای
دفاع مقدس دریافت نمی‌شود؛ شاعرانی که با زیرکی به کمک پس‌زمینه‌های
ذهنی عام در جامعه تلاش می‌کنند، معطوف به اغراض الشعر خویش - که همانا
تقویت بن‌مایه‌های معرفتی و بازسازی فرهنگ و هویت بومی است - ذهن
مخاطبان را همسو با داده‌های ذهنی خویش جهت‌دهی کنند.

۳- نتیجه‌گیری

از حاصل بررسی، طبقه‌بندی و تحلیل کیفیت انعکاس بینامتنی تلمیحات در
شعر شاعران دفاع مقدس، نتایج ذیل قابل تأمل است:

۱. شاعران دفاع مقدس از یک سو به تأثر از سنت شعری حاکم بر ادبیات فارسی، از ظرفیت‌های بینامتنی تلمیح در مسیر تبیین طرز عقیده و تفکر و پیوستگاری بین صورت و معنا استفاده کرده‌اند و از دیگر سو با تکیه بر خلاقیت هنری و نوآوری در مضمون و زبان، به بازنمایی بینش جهان‌نگرانه ناشی از مرامنامه عقیدتی و ایدئولوژیکی خود پرداخته‌اند و بدین طریق بین دریافت شهودی شاعران و فهم کشفی مخاطبان پیوندی ناگسستنی ایجاد کرده‌اند.
۲. در قاموس شعری دفاع مقدس، با توجه به تحولات مضمونی و محتوایی و رویکرد عقیدتی حاصل از انقلاب اسلامی و غلبه نگرش ایدئولوژیکی مردم ایران در مبارزه با دشمن متجاوز، در مرتبه اول تلمیحات دینی و مذهبی و در مرتبه دوم به دلیل برجستگی جلوه‌های حماسی و پیوند آن با حال و هوای (اتم‌سفر) معنوی و عرفانی دفاع مقدس، تلمیحات اسطوره‌ای از فراوانی بیشتر برخوردار است؛ با این ویژگی که آنها را در توجیه و تقویت مواضع سیاسی و انقلابی خود استفاده کرده‌اند؛ بنابراین، بازتاب گسترده تلمیحات دینی-مذهبی در کنار تلمیحات اسطوره‌ای مبین تقارن نگاه حماسی و عرفانی در اشعار دفاع مقدس و کیفیت تلاش شعرای دفاع مقدس در بهره‌گیری از ظرفیت‌های نمادین و زایشی اسطوره‌ها در الگوسازی و ترسیم مبانی فرهنگی و تقویت هویت ملی و بنیان‌های معرفتی مخاطبان است که البته در غالب مواقع با رویکرد دیالکتیک (گفتگو محور) به متون ادبی یا اشعار شاعران کلاسیک همراه است.
۳. دایره تلمیحات شاعران زن دفاع مقدس به سبب عاطفه‌زدگی و غلبه احساسات زنانه، بسیار کمتر از دایره تلمیحات و حتی تنوع آنها در شاعران مرد دفاع مقدس است؛ به‌ویژه به دلیل حضور مستمر و مستقیم برخی از شاعران مرد در دفاع مقدس حوزه تلمیحات شخصی مبتنی بر تجربه‌های مستقیم آنها بیشتر از شاعران زن است.
۴. با اینکه بسامد تلمیحات ادبی به اندازه تلمیحات دینی و اسطوره‌ای نیست؛ دانش ادبی غالب شعرای دفاع مقدس در جای جای اشعارشان نمود یافته است. حقیقت این است که استفاده از تلمیحات ادبی یکی از شگردهای نوسازی تصاویر

تلمیحی در شعر شاعران دفاع مقدس است و بیشترین نوآوری در تلمیح گرایبی مربوط به این حیطه است. گره خوردگی تصاویر تلمیحی و تلویحی یادشده با متن به گونه‌ای است که خواننده بدون دانش قبلی یا فراخواندن پیش اطلاعات ادبی خویش نمی‌تواند به فهم معانی باطنی و کنایی اشعار آنها راه یابد.

یادداشت‌ها

۱. شاعر از آیه ۱۷۲ سوره اعراف «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟ قَالُوا بَلَى...» اقتباس کرده و خواننده را به ارتباط متنی با آن فراخوانده است.
۲. آیه اول سوره فتح «أَنَا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا».
۳. اشاره به آیه ۲۲ / سوره مؤمنون.
۴. تلمیح دارد به آیه ۱۶۹ سوره آل عمران: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ».
۵. تلمیح بینامتنی دارد با بیت «گر مسلمانی از این است که حافظ دارد/ آه اگر از پی امروز بود فردایی» (دیوان حافظ، ۱۳۷۷: ۳۸۳).
۶. تلمیح به رباعی خیام:
یک چند به کودکی به استاد شدیم یک چند ز استادی خود شاد شدیم
پایان سخن شنو که ما را چه رسید از خاک برآمدیم و بر باد شدیم
۷. به شعر قلب مادر ایرج میرزا اشاره دارد.
۸. ابیات تضمین شده از ناصر خسرو است.
۹. به شعر سعدی «چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیان؟/ چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان؟» اشاره می‌کند.
۱۰. تلمیح بینامتنی با شعر سعدی «به روزگار سلامت شکستگان دریاب/ که جبرِ خاطرِ مسکین بلا بگرداند» (سعدی، ۱۳۷۳: باب در اخلاق درویشان).

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آلن، گراهام، (۱۳۸۵)، **بینامتنیت**، ترجمه پیام یزدانجو، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
۳. اسماعیلی، رضا، (۱۳۸۹)، «بررسی سیر تکوینی شعر دفاع مقدس»، مقوله‌ها و مقاله‌ها، به اهتمام محمد قاسم فروغی جهرمی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، صص ۴۹۵ - ۵۱۳.
۴. امین پور، قیصر، (۱۳۷۸)، پای فواره نخل، به کوشش ابراهیم سنایی، اهواز: نشر صمد.
۵. _____، (۱۳۹۰)، مجموعه کامل اشعار، چاپ هفتم، تهران: انتشارات مروارید.
۶. باقری، ساعد. (۱۳۸۸)، **پیاده روی در اتوبوس**، تهران: نشر علم.
۷. باقری، ساعد و محمد رضا محمدی نیکو. (۱۳۸۹)، **شعر امروز**، چاپ دوم، تهران: انجمن شاعران ایران.
۸. پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۴)، **سفر در مه**، تهران: نشر زمستان.
۹. تجلیل، جلیل، تجلیل، جلیل. (۱۳۷۳)، «ویژگی‌های عصر انقلاب»، **مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب**، تهران: سمت.
۱۰. ترابی، ضیاء‌الدین. (۱۳۸۹)، «درآمدی بر شعر دفاع مقدس»، **مقوله‌ها و مقاله‌ها**، به اهتمام محمد قاسم فروغی جهرمی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، صص ۳۱۷ - ۳۴۳.
۱۱. توکلی، زهیر. (۱۳۸۹)، «تطورات شعر دفاع مقدس در تعامل با قدرت»، **مقوله‌ها و مقاله‌ها**، به اهتمام محمد قاسم فروغی جهرمی، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، صص ۳۴۵ - ۴۰۱.
۱۲. چندلر، دانیل. (۱۳۸۷)، **مبانی نشانه‌شناسی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۷۷)، **دیوان حافظ**، تصحیح قاسم غنی و محمد قزوینی، چاپ پنجم، تهران: باقرالعلوم.
۱۴. حسینی، سیدحسن. (۱۳۸۸ الف)، **در ملکوت سکوت**، تهران: انجمن شاعران ایران.
۱۵. _____ (۱۳۸۸ ب)، **سفر نامه گرد باد**، چاپ دوم، تهران: انجمن شاعران ایران.
۱۶. راکعی، فاطمه. (۱۳۸۴)، **مادرانه‌ها**، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۱۷. _____ (۱۳۸۵)، **ناختکی به زندگی**، تهران: اطلاعات.

۱۸. ----- (۱۳۸۷)، **آواز گلستگ**، چاپ چهارم، تهران: اطلاعات.
۱۹. رشیدیان، بهزاد. (۱۳۷۰)، **بینش اساطیری در شعر فارسی**، تهران: نشر گستره.
۲۰. ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۹)، **معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی**، تهران: نشر علم.
۲۱. سبزواری، حمید. (۱۳۸۹ الف)، **سرود درد**، تهران: انجمن قلم ایران.
۲۲. ----- (۱۳۸۹ ب)، **سرودی دیگر**، تهران: انجمن قلم ایران.
۲۳. ----- (۱۳۸۸)، **سرود سپیده**، تهران: انجمن قلم ایران.
۲۴. شفیع کدکنی، محمد رضا. (۱۳۵۸)، **صور خیال در شعر فارسی**، چاپ هفتم، تهران: نشر آگاه.
۲۵. شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰)، **بیان**، تهران: نشر میترا.
۲۶. ----- (۱۳۶۶)، **فرهنگ تلمیحات**، تهران: نشر فردوسی.
۲۷. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. (۱۳۷۳)، **گلستان**، به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ نهم، تهران: صفی‌علیشاه.
۲۸. سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۹)، **ادبیات دفاع مقدس**، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۹. صفوی، کوروش. (۱۳۹۰)، **درآمدی بر معنی‌شناسی**، چاپ چهارم، تهران: سوره مهر.
۳۰. عزیزی، احمد. (۱۳۸۸)، **شرحی آواز**، چاپ دوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۳۱. ----- (۱۳۹۰)، **کفش‌های مکاشفه**، چاپ چهارم، تهران: انتشارات بین المللی الهدی.
۳۲. فتوحی، محمود. (۱۳۸۹)، **بلاغت تصویر چاپ دوم**، تهران: نشر سخن.
۳۳. قبادی، حسینعلی. (۱۳۸۹)، **ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و هویت ایرانی**، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
۳۴. قزوه، علیرضا. (۱۳۹۰ الف)، **از نخلستان تا خیابان**، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۳۵. ----- (۱۳۹۰ ب)، **عشق علیه السلام**، چاپ سوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۳۶. کالر، جانان، (۱۳۸۸)، **بوطیقای ساختارگرا**، ترجمه کوروش صفوی، تهران: مینوی خرد.
۳۷. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹)، **شناخت ادبیات انقلاب اسلامی**، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

۳۸. گرجی، مصطفی و فاطمه محمدی، (۱۳۹۰-۱۳۹۱)، «بررسی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های اسطوره‌ای در اشعار قیصر امین پور بر مبنای دیدگاه لارنس کوپ»، نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان، شماره ۵، پاییز ۹۰ و بهار ۹۱، صص ۳۸۵-۴۱۰.
۳۹. محبتی، مهدی، (۱۳۸۶)، *بدیع نو*، چاپ دوم، تهران: نشر سخن.
۴۰. محمدی، محمد حسین، (۱۳۸۵)، *فرهنگ تلمیحات شعر معاصر*، چاپ دوم، تهران: نشر میترا.
۴۱. مردانی، نصرالله، (۱۳۶۴)، *خون نامه خاک*، تهران: انتشارات کیهان.
۴۲. معلم دامغانی، محمد علی، (۱۳۹۰)، *رجعت سرخ ستاره*، چاپ ششم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۴۳. _____، (۱۳۸۹)، *شرح شرحه است صدا در باد*، تهران: انتشارات سوره مهر.
۴۴. نامور مطلق، بهمن، (۱۳۹۰)، *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*، تهران: انتشارات سخن.
۴۵. هراتی، سلمان، (۱۳۹۰)، *شعرهای سلمان هراتی*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دفتر شعر جوان.